

مقدمه

ازدواج یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی انسان است؛ زیرا آدمی وارد رابطه‌ای می‌شود که داشتن مسئولیت و تعهد در برابر همسر و فرزند، از لوازم آن است؛ رابطه‌ای که اگر همراه با یک انتخاب مناسب باشد، لذت‌بخش و روبه‌رشد، و اگر با انتخاب نامناسب همراه باشد، زجرآور و مانع رشد و شکوفایی استعدادهای انسان می‌شود (جاسبی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۵۰۰). بر این اساس، انتخاب درست همسر نقشی بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در موفقیت ازدواج و سعادت خانواده ایفا می‌کند. کارشناسان امور خانواده بر این باورند که بسیاری از مشکلات و اختلالات خانوادگی ناشی از ضعف مجاری اطلاع‌رسانی، شتاب‌زدگی و عدم انجام مطالعات دقیق در مرحله‌گزینش، اعتماد بی‌مورد به اظهارنظرهای واسطه‌ها و اطرافیان، جدی نگرفتن برخی نقاط ضعف مهم یا توجیه آنها، بزرگ‌نمایی برخی ویژگی‌های غیرمهم، کم‌توجهی به اوصاف بایسته و در مواردی فریب‌کاری و اغفال آگاهانه می‌باشد (بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳). بنابراین، می‌توان گفت که مشکلات مربوط به انتخاب همسر، ناشی از دو ریشه اصلی است: نخست، تعیین نادرست معیارهای انتخاب همسر و سپس، ناتوانی در تطبیق معیارهای همسر مطلوب بر فرد موردنظر. در این میان، تعیین معیارهای انتخاب همسر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و دیدگاه‌های متعددی در این خصوص از سوی نظریه‌پردازان روان‌شناسان اجتماعی ارائه شده است. این مقاله، درصدد است این نظریات را مورد بررسی قرار داده و دیدگاه مورد قبول اسلام را ارائه نماید. بررسی این دیدگاه‌ها براساس دیدگاه اسلام، در خصوص همسرگزینی و نیز مطالعه پژوهش‌های روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در این زمینه صورت می‌گیرد.

روش تحقیق

این پژوهش در چارچوب تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار دارد که هدف آن بررسی و نقد نظریه‌های مطرح در باب همسرگزینی است. این پژوهش، دو مرحله اصلی دارد: یکی جمع‌آوری و توصیف دیدگاه‌ها، و دیگری نقد و بررسی آنها. در مرحله نخست، ابتدا با مراجعه به منابعی که مشتمل بر تبیین نظریه‌های همسرگزینی بود، دیدگاه‌های مطرح‌شده استخراج و با کمک سایر منابع، توضیحات تکمیلی در مورد هریک از نظریه‌ها ارائه و دیدگاه‌های مذکور توصیف شد. در مرحله دوم، با استفاده از منابع اسلامی، دیدگاه‌های ارائه‌شده بررسی گردید. بدین منظور، علاوه بر آیات و روایات، سیره معصومان^ع نیز مورد

بررسی نظریه‌های همسرگزینی و نقد آنها با تکیه بر منابع اسلامی و روان‌شناسی

h.hosseinkhani@yahoo.com

janbo@rihu.ac.ir

کلیه هادی حسین‌خانی نائینی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع

مسعود جان‌بزرگی / دانشیار روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهروز مهران / استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۲

چکیده

آمار بالای طلاق زوجین در سال‌های آغازین زندگی، نشانگر این است که انتخاب ناصحیح یکی از عوامل مؤثر در ناسازگاری و عدم تفاهم همسران محسوب می‌شود. بر این اساس، انتخاب همسر مرحله‌ای سرنوشت‌ساز در زندگی هر فرد به‌شمار می‌رود. در خصوص همسرگزینی، دیدگاه‌های متفاوتی از سوی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ارائه شده و هریک از این دیدگاه‌ها، انتخاب همسر را از منظر خاص خود بررسی کرده‌اند. بنابراین هدف این پژوهش، که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شد، بررسی نظریه همسان‌همسری، فرضیه همانندی، نظریه نیازهای مکمل و نظریه مبادله معرفی و سپس نقد آنها می‌باشد. در نقد دیدگاه‌های مذکور، علاوه بر استفاده از یافته‌های تجربی، منابع اسلامی نیز به کار گرفته شده است. به نظر می‌رسد در دیدگاه اسلامی، بر همسان‌همسری دینی و هماهنگی در میزان دین‌داری و نیز برخی خصوصیات اخلاقی از قبیل پاکدامنی تأکید و بر عدم اهمیت ابعاد دیگر همسانی تصریح شده است.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، انتخاب همسر، نظریات همسرگزینی.

توجه قرار گرفت. افزون بر نقد نظریات با رویکرد اسلامی، با بهره‌گیری از نتایج تحقیقات تجربی، هریک از نظریه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نظریات همسرگزینی

در مورد اینکه همسرگزینی براساس توجه به چه ویژگی‌هایی صورت می‌پذیرد، نظریات متعددی ارائه شده است. در اینجا به چهار نظریه مهم اشاره می‌شود:

۱. نظریه همسان‌همسری

یکی از اصلی‌ترین دیدگاه‌ها در خصوص انتخاب همسر، نظریه همسان‌همسری است. همسان‌همسری معمولاً به ازدواج بین همسران از یک گروه اجتماعی یکسان اشاره دارد (بیرکلاند و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲). براساس این اصل، افرادی که درصدد ازدواج برمی‌آیند، معمولاً کسی را برای همسری برمی‌گزینند که از بیشترین سطح همسانی و مشابهت با آنان برخوردار باشد (بستان، ۱۳۸۳، ص ۳۸). همسان‌همسری، مبتنی بر وابستگی گروهی می‌تواند- و واقعاً هم این‌گونه بوده است - به صورت‌های گوناگونی تعیین شود؛ به وسیله زمینه اجتماعی، گروه نژادی، گروه دینی، پراکندگی منطقه‌ای، جمعیت‌شناختی یا اجتماعی، به لحاظ پیشرفت تحصیلی، از طریق گروه منزلتی یا طبقه اجتماعی فعلی (بیرکلاند و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲). افراد مشابه از لحاظ سن، نژاد، مذهب، ملیت، تحصیلات، هوش، سلامت، منزلت، نگرش، و ویژگی‌های بی‌شمار دیگر، به مقداری بیش از آنکه به‌صورت تصادفی یافت شود، تمایل به ازدواج با یکدیگر دارند (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). به‌عنوان نمونه، جاکوبسن و همکاران اظهار داشته‌اند که طبق سرشماری سال ۱۹۹۰، ۹۶/۹٪ زنان سفیدپوست در ایالات متحده با مردان سفیدپوست، و ۹۷/۲٪ مردان سفیدپوست ایالات متحده نیز با زنان سفیدپوست ازدواج کرده‌اند (جاکوبسن و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۴۴۳). با اینکه قوانین مخالف با ازدواج‌های بین نژادی در آفریقای جنوبی تغییر کرده است، اما ازدواج با افراد همسان آشکارا قانونی مانده، و ازدواج‌های بین نژادی واقعاً استثنایی است (همان). البته برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که برخی از انواع ازدواج‌های همسان‌همسری، رو به کاهش گذاشته است. مانند مطالعه (فریمل و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۲۳) که نشان می‌دهد همسانی بر حسب دین و نژاد در استرالیا کاهش یافته است. با اینکه معیارهای بسیاری در انتخاب یک همسر ایفای نقش می‌کند، اما جامعه‌شناسان اغلب همسان‌همسری و درون‌همسری را در خصوص نژاد، دین و منزلت اقتصادی - اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند (کالمین، ۱۹۹۸). در مواردی نیز ازدواج با افراد غیرهمسان ترجیح داده

می‌شود، چنانچه تحقیق بیرکلاند و هلدال در خصوص همسانی تحصیلی در نیمه نخست قرن بیستم در نروژ، حاکی از آن است که در میان ازدواج‌های ناهمگن، مردان احتمالاً بیش از زنان تمایل دارند تا با افراد دارای سطح تحصیلات پایین‌تر از خود ازدواج کنند. این انعکاس این مطلب است که مردان از پیشرفت تحصیلی برابر یا بیشتر از زنان برخوردار بوده‌اند (بیرکلاند و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۱۶). محققان تأثیر همسانی را بر استحکام زناشویی مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله کالمین (۱۹۹۱) خاطر نشان ساخت که پایداری زوجین غیرهمسان پایین‌تر از زوج‌های همسان است (همان، ص ۵). البته تأثیر انواع همسانی بر استحکام ازدواج متفاوت می‌باشد. تحقیقاتی که در پی می‌آید، گویای این تفاوت است: هرچند به نظر می‌رسد که همسان‌همسری در مورد ویژگی‌های اجتماعی مؤثر واقع شود، اما عوامل روان‌شناختی همچون شخصیت و خلق و خو از تأثیر کمتری برخوردار است (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). بررسی فینکس (۱۹۹۷) در مورد ارتباط یکپارچگی اجتماعی، ناهمگنی و طلاق در دو گروه با زبان‌های مختلف در فنلاند نیز نشان داد که همسانی زبانی همسران، نرخ طلاق را کاهش داده، اما راجع به تأثیر همسانی سن یا تحصیلات آنان تأییدی یافت نشده است. تحقیق کرافت و نیمان نیز نشان می‌دهد که تأثیر ثابت همسانی برای سن می‌تواند یافت شود: خطر طلاق با افزایش اختلاف سنی رو به تریاید می‌رود (کرافت و نیمان، ۲۰۰۹، ص ۲۸). در مقابل، تأثیر ثابت راجع به تحصیلات و حضور در کلیسا تنها در مورد افرادی از گروه‌های خاص یافت می‌شود، مانند زوجینی که هر دو همسر از سطح تحصیلات متوسط، یا بالا برخوردار بوده یا هر دو در مراسم کلیسا حاضر شوند.

نقد و بررسی

در منابع اسلامی بر لزوم همسانی زوجین و تأثیر آن در زندگی مشترک تأکید و از همسانی زوجین با عنوان «کفویت» یاد شده است. البته برخلاف دیدگاه همسان‌همسری در روان‌شناسی اجتماعی، که همسانی زوجین را در تمامی عرصه‌ها یا لااقل در عرصه‌های نژاد، دین و منزلت اقتصادی - اجتماعی لحاظ کرده است (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶)، منابع اسلامی معیار همسانی را هماهنگی سطح دینی طرفین ازدواج می‌دانند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۷). این منابع لزوم همسانی زوجین را در برخی زمینه‌ها همچون نژاد، منزلت اقتصادی - اجتماعی، و حتی برخی از صفات اخلاقی نفی کرده‌اند. اهتمام کم اسلام به همسانی نژادی از آنجا استفاده می‌شود که اولاً، اسلام به نژاد به‌مثابه عاملی برای شناسایی افراد نگاه می‌کند، نه امتیاز و برتری اقوام و ملل بر یکدیگر (حجرات: ۱۳). ثانیاً، ازدواج اولیای الهی با افرادی از نژادهای دیگر همچون ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو دختر یزدگرد پادشاه ساسانی (طبرسی، ۱۴۰۳، ج

شما آمد، به وی همسر دهید؛ چراکه در غیر این صورت، فتنه و فساد بزرگی زمین را در بر خواهد گرفت» (بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۶). در عین حال، تأکید منابع اسلامی بر وجود برخی خصوصیات اخلاقی مانند غیرت در مردان و نفی آن در زنان (نهج‌البلاغه، کلمات قصار ۱۲۴)، نشانگر آن است که همسانی زوجین در همه ابعاد اخلاقی نیز از دیدگاه اسلام روا نیست.

پژوهش‌های متعدد انجام‌شده در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی نیز گرایش همه‌جانبه به همسانی را در همسرگزینی به چالش می‌کشد. در این میان، می‌توان به تحقیقات اسپرچر و هتفیلد (۲۰۰۹)، ناکس و شاجت (۲۰۰۹)، وینچ (۱۹۵۸)، هاگس (۲۰۰۲) و حسین‌خانی نائینی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

۲. فرضیه همانندی

جذابیت بدنی نیز در همسرگزینی ایفای نقش می‌کند. ما دوستی و معاشرت با افراد جذاب را بر افراد غیرجذاب ترجیح می‌دهیم (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). از نظر گنگستاد، ثورنهییل و گارور-اپگارل (۲۰۰۵)، یک چهره متقارن جذاب‌تر است. شاید رایحه دل‌انگیز نیز با تقارن تطبیق کند. یافته‌ها حاکی از آن است که در زمان تخمک‌گذاری، زنان بوی مردانی را که از تناسب بیشتری برخوردارند، ترجیح می‌دهند (دیبیر، ۲۰۰۹). اما، به عقیده مورستین، (۱۹۷۲ و ۱۹۷۶) و فینگلد (۱۹۸۸) از آنجاکه به دست آوردن همسرانی فوق‌العاده زیبا و خوش‌ظاهر محدود است، در زندگی واقعی به آن تمایل داریم که همسرانی برگزینیم که از نظر جذابیت ظاهری شبیه به ما باشند (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). نگاهی اجمالی به زوجین در موقعیت‌های عمومی، به مشاهده این امر منجر می‌شود که افراد مایلند با کسانی پیوند برقرار کنند که از نظر جذابیت بدنی شبیه خودشان باشند. مرد خوش‌قیافه و زن جذاب، با هم قرار گذاشته و ازدواج می‌کنند، حال آنکه هم‌تایان زشت‌تر نیز با اقران خود ازدواج می‌کنند (اسپرچر و هتفیلد، ۲۰۰۹). در یک پژوهش، روان‌شناسان اجتماعی سطح جذابیت هریک از دو طرف زوجین واقعی را اندازه‌گیری کردند. آنها این کار را به شیوه‌های مختلف انجام دادند، اما سعی کردند تا حد امکان عینی باشد. این کار اغلب با پرسیدن از بیش از یک «داور» صورت گرفت... در این‌باره، شواهد محکمی برای فرضیه همانندی یافت شد. بین زوجین واقعی، شباهت میان سطح جذابیت جسمانی همسران تشخیص داده شد (همان).

فرضیه همانندی عبارت از این اندیشه است که ما نوعاً زمانی بیشترین نتیجه و کمترین هزینه را تجربه می‌کنیم که در جست‌وجوی همسرانی دارای میزانی از جذابیت بدنی در حد خودمان باشیم (هاگس و

۳، ص ۳۸۷)، امام صادق علیه السلام با حضرت حمیده مصفاة که از اشراف عجم بود (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۳)، امام کاظم علیه السلام با حضرت تکتم که کنیزی از اهالی دورترین نقاط مغرب بود (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۵۴)، و امام حسن عسکری علیه السلام با حضرت نرجس (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۹) که رومی بوده‌اند، دلیل روایی چنین پیوندهایی است. ثالثاً، پیشوایان دین به ازدواج‌هایی توصیه کرده‌اند که ویژگی بارز دو طرف آن تفاوت نژادی بوده است (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۷؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۴۴؛ بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۶). منزلت اقتصادی-اجتماعی نیز معیار همسانی در منابع دینی به‌شمار نمی‌رود. این امر نیز مستند به شواهد متعددی می‌باشد. از یک‌سو، خداوند در قرآن تقوا را ملاک کرامت افراد در نزد خود می‌داند (حجرات: ۱۳). از سوی دیگر، ازدواج‌های اولیای دین با کنیزانی (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۸۸)، که با وجود رفعت علمی و معنوی (خسروی، ۱۳۸۰، ص ۶)، از نازل‌ترین موقعیت اجتماعی برخوردار بودند، نشانگر این مطلب است که همسانی طبقه اجتماعی، عامل بسیار مؤثری در موفقیت ازدواج به‌شمار نمی‌رود. در یکی از این موارد، امام زین‌العابدین علیه السلام، با کنیزی که از آن امام حسن علیه السلام بود، ازدواج کرد. این خبر به گوش عبدالملک بن مروان رسید. وی در نامه‌ای به حضرت نوشت که تو شوهر کنیزان گشته‌ای! امام زین‌العابدین علیه السلام به او نوشت: «همانا خداوند به وسیله اسلام، پستی را بلندی بخشیده و ناقص را کامل گردانیده و از فرومایگی، به ارجمندی رسانیده است. بنابراین، هیچ مسلمانی پست نیست، بلکه پستی واقعی پستی جاهلیت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، خود، بنده‌اش را [از قوم خود] زن داد و با کنیزش ازدواج کرد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۴۶). همچنان‌که وساطت اولیای الهی در ازدواج‌هایی که طرفین آن برخاسته از طبقات متفاوت اجتماعی بوده‌اند، گواه آشکاری بر این دیدگاه اسلام است. برای نمونه، رسول اکرم صلی الله علیه و آله در امر ازدواج فرزندخوانده خود، زیدبن حارثه، که برده‌ای آزادشده توسط حضرت خدیجه علیها السلام بود، با دختر عمه خود، زینب بنت جحش که از اشراف قریش بود، وساطت نمودند. خداوند متعال نیز پس از مشاهده کراهت زینب، به دلیل اختلاف پایگاه اجتماعی آنان، در آیه‌ای زینب را از مخالفت با حکم پیامبر بر حذر داشت (احزاب: ۳۶). به این ترتیب، خط بطلان بر ضرورت همسانی زوجین در طبقه اجتماعی کشید. در خصوص مورد اخیر، علاوه بر روایاتی که گذشت (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۹، ۳۴۱، و ۳۴۴)، حدیث زیر نیز گویاست. شخصی برای امام جواد علیه السلام نامه نوشت و در آن نظر حضرت را درباره ازدواج دختران خود و اینکه هیچ کس را همانند [و هم‌شان خودش] نمی‌یابد، جویا شد. حضرت در پاسخ چنین مرقوم فرمودند: «آنچه را در مورد دخترانت بیان کردی و اینکه کسی را همانند خودت نمی‌یابی، دانستم؛ اما - خدایت رحمت کند - این امر را معیار و شرط ازدواج دخترانت قرار نده؛ زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی که اخلاق و دیانت او را می‌پسندید به خواستگاری نزد

نقش ویژگی‌های جسمانی در ازدواج معنادار است. مردان اهتمام بیشتری به معیارهای جسمی در انتخاب همسر دارند. این تحقیق مورد تأیید پژوهش‌هایی همچون بررسی فینگلد (۱۹۹۰) است که نشان می‌دهد مردان بیشتر از زنان تحت تأثیر زیبایی قرار می‌گیرند (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰). همچنین پژوهش جیمبالو (۱۹۹۳) بیان می‌کند که برای مردان عامل جذابیت‌های جسمانی و رابطه جنسی، نقش مهم‌تری در رضایت‌مندی دارد (حفاظی‌طرقبه و همکاران، ۱۳۸۵). پژوهش مردانی و همکاران (۱۳۸۱) در خصوص زمینه‌یابی نگرش دانشجویان و هنرآموزان دختر نسبت به همسرگزینی و آینده ازدواج نیز نشان می‌دهد که ظاهر و قیافه پسران از دیدگاه دختران، تنها از اهمیتی برابر ۳٪ نسبت به سایر مؤلفه‌ها برخوردار است. بر این اساس، نمی‌توان مدعی شد که هر دو گروه مردان و زنان، به میزان یکسان به جذابیت بدنی در انتخاب همسر بها می‌دهند.

۳. نظریه نیازهای مکمل

نظریه نیازهای مکمل بیان می‌دارد که ما به انتخاب همسرانی تمایل داریم که نیازهای آنان مخالف و تکمیل‌کننده نیازهای ماست (ناکس و شاپت، ۲۰۰۹، ص ۱۸۲). نظریه نیازهای مکمل، به دو خصلت شخصیتی متفاوت اشاره دارد که نظیر یکدیگرند و آنگاه که به هم ملحق شوند، نوعی تکامل را فراهم می‌سازند (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). افراد سلطه‌جو با افراد سلطه‌پذیر ارتباط تکاملی می‌یابند و افراد پرحرف، خود را مجذوب شوندگان خوب می‌یابند. جذابیت بین فردی بستگی به آن دارد که هر همسر چگونه انتظارات دیگری را تأمین می‌کند و متقابلاً، چگونه با خرسندی «تناسب نقش» خود را می‌یابد (همان). این نیازهای مکمل به این نکته اشاره می‌کند که شخصی علاقمند به برخورداری از مراقبت دیگری است. حال آنکه دیگری می‌خواهد ولی نعمت چنین خیری باشد. نمونه‌های دیگر نیازهای مکمل می‌تواند با این موارد سروکار داشته باشد: مسئولیت در برابر وظیفه‌شناسی، اصلاح در برابر آشوبگری، و بی‌نظمی در برابر نظم (ناکس و شاپت، ۲۰۰۹، ص ۱۸۲). وینچ و همکارانش براساس ویژگی‌های مکمل نه مشابه، فهرستی از ۱۲ نیاز اصلی و سه خصوصیت روانی ساختند که امکان انتخاب همسر مناسب را با توجه به خصوصیات روانی هر فرد توصیه می‌کرد (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). به‌عنوان نمونه، اگر شوهر متمایل به فرماندهی باشد، بهتر است زنی را انتخاب کند که دارای خصلتی مطیع باشد و یا اگر یکی از زوجین عصبی، حساس و پرخاشگر باشند، دیگری آرام و متعادل باشد، والا احتمال برخورد بیشتر و شکنندگی قرارداد زوجیت در صورت ازدواج دو فرد عصبی با یکدیگر بیشتر

همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۵۳). اما افراد گاهی اوقات در روابطی وارد می‌شوند که در آن بسیاری از ویژگی‌های مطلوب را پیشکش می‌کنند. یک فرد می‌تواند فقدان جذابیت را با یک شخصیت فریبنده، مهربانی، موقعیت، پول و مانند آن جبران کند. این تصور، که افراد گهگاه می‌توانند فقدان جذابیت را با ارائه سایر خصلت‌های مطلوب جبران کنند، «همانندی پیچیده» نامیده شده است. آنچنان‌که روان‌شناسان اجتماعی خاطرنشان می‌کنند، نوع سنتی جور شدن آن است که یک مرد ثروتمند موفق مسن‌تر، با یک زن جذاب جوان ازدواج کند (اسپرچر و هتفیلد، ۲۰۰۹).

نقد و بررسی

مهم‌ترین نقدی که بر این فرضیه وارد است، فرو کاستن اهداف ازدواج به بُعد ناچیزی از ابعاد ازدواج، یعنی جذابیت بدنی است. حال آنکه از هدف‌های مهم ازدواج، تحصیل آرامش روانی و سکون قلبی زن و شوهر در سایه برقراری روابط عاطفی و اجتماعی بسیار نزدیک با هم است (سالاری‌فر، ۱۳۸۵، ص ۵۲). خداوند متعال در آیات متعددی به این کارکرد ازدواج اشاره می‌کند: «از نشانه‌های خداوند این است که از نوع خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان رحمت و دوستی نهاد» (روم: ۲۱) و «او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیسایید» (اعراف: ۱۸۹) و «آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها» (بقره: ۱۸۷). بررسی منابع اسلامی نشانگر آن است که عوامل زیر در ایجاد آرامش روانی میان همسران تأثیرگذار است:

تکامل ناشی از رفع نقص و نیاز، وحدت جنس زن و شوهر، ایجاد مودت و رحمت در میان همسران، و پوشندگی (حسین‌خانی، ۱۳۹۰، ص ۳۶-۳۷). تشکیل خانواده دارای کارکردهای دیگری همچون جامعه‌پذیری، تأمین پایگاه اجتماعی، مشروعیت، کنترل اجتماعی، و کارکردهای اقتصادی نیز هست (بستان، ۱۳۸۳، ص ۸۳). همچنین تشکیل خانواده رابطه افراد را با خداوند نزدیک‌تر می‌کند. چنانچه تحقیق گودمن و دولاهایت نشان می‌دهد که مسیحیان، یهودیان و مسلمانان در مورد نزدیک‌تر شدن به خدا از طریق ازدواج سخن گفته‌اند (گودمن و دولاهایت، ۲۰۰۶، ص ۱۴۶). بنابراین، نمی‌توان انگیزه انتخاب همسر را صرفاً برخورداری وی از جذابیت‌های ظاهری دانست و گفت که «ما نوعاً زمانی بیشترین نتیجه و کمترین هزینه را تجربه می‌کنیم که در جست‌وجوی همسرانی دارای میزانی از جذابیت بدنی در حد خودمان باشیم». ضمن آنکه نتایج پژوهش حسین‌خانی نائینی (۱۳۹۰، ص ۱۸۰)، نشان می‌دهد تفاوت مردان و زنان در خصوص

خود، ویژگی‌های مقابل آنها را در طرف مقابل در نظر گرفته و او را برای همسری انتخاب کند. تحقق چنین امری نیز به غایت دشوار است.

همچنین پرسش‌هایی در خصوص این نظریه مطرح شده است. از جمله: آیا همچنان‌که تأمین نیازهای شخصیتی از طریق انتخاب همسر میسر است، از راه‌هایی غیر از روابط زوجین امکان‌پذیر نیست؟ آیا افراد در طول زمان تغییر نمی‌کنند؟ (همان).

با بررسی دیدگاه اسلام در خصوص همسرگزینی نیز می‌توان شواهدی بر ضعف این نظریه ارائه کرد: الف. اسلام همسانی دینی را شرط لازم برای تحقق ازدواج دائم دانسته (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۵) و مسلمانان را از برقراری پیوند زناشویی با مشرکان و کافران برحذر می‌دارد (بقره: ۲۲۱؛ ممتحنه: ۱۰). علاوه بر این، لازم می‌داند که افراد برای ازدواج، همسرانی هم‌تراز از لحاظ میزان دینداری انتخاب کنند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۹).

ب. برخی معیارهای همسرگزینی به‌طور مطلق مورد اهتمام اسلام قرار گرفته و صرف نظر از اینکه این معیار در فرد انتخاب‌گر وجود دارد یا نه، تأکید شده که این ویژگی‌ها را در انتخاب همسر لحاظ کند. مثلاً، توصیه شده همسرانی برگزینند که از خصوصیات زیر برخوردار باشند: حسن خلق (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۶۳)، شکرگزاری (راوندی، بی‌تا، ص ۴۸)، عفت‌ورزی (مائده: ۵؛ نساء: ۲۵)، آرامش‌گری (روم: ۲۰)، زایایی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۳)، زیبایی (همان، ص ۳۲۳) و تمایل جنسی (همان، ص ۳۲۴).

ج. اسلام ازدواج مؤمنان با افراد آلوده را ممنوع کرده و به این‌گونه افراد تنها اجازه داده که با همتایان خود یا مشرکان ازدواج نمایند (نور: ۳ و ۲۶).

۴. نظریه مبادله

نظریه مبادله تأکید می‌کند که انتخاب همسر مبتنی بر ارزیابی فردی است که بیشترین پاداش را در قبال کمترین هزینه ارائه می‌کند. این پنج مفهوم به تبیین فرایند مبادله کمک می‌کند:

۱. پاداش‌ها: پاداش‌ها رفتارهایی (طرف شما به دیده عشق به شما می‌نگرد)، کلماتی (دوستت دارم)، منابعی (زیبا یا دلپذیر بودن، داشتن وسیله نقلیه، آپارتمان، و پول)، و خدماتی (غذا پختن یا تایپ کردن برای شما) است که طرف مقابل شما فراهم می‌کند، و شما به خاطر این امور که برایتان ارزشمند است، ارتباط را تداوم می‌بخشید.

خواهد بود (اعزازی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱). هلن فیشر (۲۰۰۹) در مطالعه خود بر روی ۲۸۰۰۰ نفر از شرکت‌کنندگانی که در پایگاه (chemistry.com) به دنبال انتخاب همسر بودند، شواهدی را برای نیازهای مکمل کشف کرد (ناکس و شاپت، ۲۰۰۹، ص ۱۸۲). بر حسب شخصیت، «کارگردان‌ها» (تحلیلی، قاطع، متمرکز) افراد «گفت‌وگوکننده» (درون‌نگر، کلامی، شهودی) را جست‌وجو می‌کردند (همان). این نظریه، غیر از وینچ حامیان دیگری از قبیل کنسین، استروس و والر نیز دارد که ارضای نیازهای مختلف زوجین توسط یکدیگر را یک نوع اشباع و استقلال عاطفی می‌دانند و این همان چیزی است که دو همسر را به نحوی پایدار به هم می‌پیوندد.

نقد و بررسی

با آنکه این نظریه شواهد و طرفدارانی دارد، اما نقدهای جدی آن را به چالش کشیده است: نخست آنکه در کنار شواهدی که برای انتخاب براساس تفاوت وجود دارد، شواهد زیاد دیگری نیز وجود دارد که انتخاب بر مبنای همسانی را تأیید می‌کند. برای نمونه، به گزارش هیتون و جاکوبسن (۲۰۰۰) طبق سرشماری سال ۱۹۹۰، ۹۶/۹٪ زنان سفیدپوست در ایالات متحده با مردان سفیدپوست، و ۹۷/۲٪ مردان سفیدپوست ایالات متحده نیز با زنان سفیدپوست ازدواج کرده‌اند (جاکوبسن و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۴۴۳). با اینکه قوانین مخالف با ازدواج‌های بین نژادی در آفریقای جنوبی تغییر کرده است، اما ازدواج با افراد همسان آشکارا قانونی مانده، و ازدواج‌های بین نژادی واقعاً استثنایی است (همان). البته ممکن است طرفداران این نظریه، تفاوت‌ها را محدود به خصلت‌های شخصیتی دانسته و آن را به سایر حوزه‌ها از جمله حوزه‌های اجتماعی تعمیم ندهند، اما با این اشکال مواجه می‌شوند که این رویکرد، تنها خصلت‌های شخصیتی را برای ازدواج در نظر گرفته و از سایر ابعاد مهم همچون ابعاد خانوادگی، اقتصادی، جسمی و... غفلت ورزیده است.

نقد دیگر این دیدگاه اینکه طبق این نظریه همه باید از نیازهای روانی خود آگاهی یابند و خود تحلیل‌گر باشند، حال آنکه گزینش همسر با آگاهی و تخصص صورت نمی‌پذیرد (داودخانی، ۱۳۸۵). البته هر فردی نسبت به برخی خصوصیات شخصیتی خویش آگاهی دارد، ولی این به معنای آگاهی و اشراف کامل به تمامی ابعاد شخصیتی خویش نیست، وگرنه نیازی به آزمون‌های متعدد شخصیت وجود نداشت. وایت نیز در مقام نقد این نظریه می‌گوید: «چون نیازهای ما متفاوت است، پس ممکن نیست که دو نفر با هم بمانند» (ناکس و شاپت، ۲۰۰۹، ص ۱۸۳). به این معنا که هر فرد باید برای ویژگی‌های متعدد

نقد و بررسی

این نظریه بر این فرض استوار است که زنان از دستیابی به قدرت و دسترسی به منابع محروم باشند و صرفاً برای رفع این محرومیت ازدواج کنند. درحالی‌که به‌ویژه در جوامع امروز، بخش عمده‌ای از زنان از قدرت و امکانات لازم برخوردارند. در عین حال، خود را بی‌نیاز از ازدواج نمی‌دانند. ضمن آنکه زمینه‌یابی نگرش دختران نسبت به همسرگزینی نیز نشانگر آن است که وضعیت اقتصادی پسران در نظر دختران، تنها از اهمیتی بالغ بر ۴٪ برخوردار است (مردانی و همکاران، ۱۳۸۱). از سوی دیگر، این نکته نیز که مردان تنها به انگیزه دریافت اموری چون زیبایی جسمی، فرزندآوری و لذت جنسی اقدام به ازدواج کنند، قابل تردید است؛ زیرا اولاً، دریافت این امور منوط به ازدواج نیست و مردان می‌توانند آنها را از ارتباطات خارج از چارچوب خانواده نیز تحصیل کنند. ثانیاً، مردان با ازدواج به نتایج دیگری همچون آرامش، تکامل و... که از قبیل امور ظاهری نیستند، نیز خواهند رسید. البته براساس یافته‌های پژوهش حسین‌خانی نائینی، میانگین ویژگی‌های اخلاقی، خانوادگی، اقتصادی و جسمانی بین پاسخ‌گویان دختر و پسر تفاوت معناداری دارد (حسین‌خانی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰). در ویژگی‌های اخلاقی، خانوادگی و اقتصادی، دختران نمره بالاتری دریافت نموده‌اند و در ویژگی‌های جسمانی، پسران نمره بیشتری دریافت نموده‌اند، اما این امر صرفاً اهمیت بیشتر پسران به امور جسمی، و دختران به امور اقتصادی را ثابت می‌کند. بنابراین، برداشت این مطلب که پسران تنها به امور جسمی و دختران تنها به امور اقتصادی بها می‌دهند، نادرست به نظر می‌رسد. این رویکرد با چشم‌پوشی از کارکردهای معنوی ازدواج، تنها کارکرد آن را تبادل امکانات مادی دانسته است. درحالی‌که یافته‌های پژوهش مذکور حاکی از این است که کارکردهای فوق‌بخش‌ناچیزی از کارکردهای تشکیل خانواده از دیدگاه اسلام را در برمی‌گیرد (همان، ص ۲۸۲۰). در منابع اسلامی، کارکردهای مهم دیگری همچون آرامش‌بخشی، پرورش فرزند، و تقویت ارتباطات اجتماعی نیز برای تشکیل خانواده مطرح شده است که تمرکز بر مبادلات صرفاً مادی را منتفی می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، چهار نمونه از مهم‌ترین نظریات مربوط به همسرگزینی مورد بررسی قرار گرفت. نخستین نظریه دیدگاه همسان‌همسری بود. براساس این اصل، افرادی که درصد ازدواج برمی‌آیند، معمولاً کسی را برای همسری برمی‌گزینند که از بیشترین سطح همسانی و مشابهت با آنان برخوردار باشد. اما منابع

۲. هزینه‌ها: هزینه‌ها جنبه‌های نامطبوع روابطاند. یک زن هزینه‌های مرتبط با دچار شدن به همسر خود را چنین معرفی می‌کند: «او مواد مخدر مصرف می‌کند، شاغل نیست، ۹ ساعت دور از خانه به سر می‌برد». هزینه‌هایی که همسر چنین خانمی در ارتباط با او می‌پردازد، شامل این موارد است: «او مرا آزار می‌دهد، او روابط جنسی را نمی‌پسندد»، و «در صورتی که ما با هم ازدواج کنیم، او می‌خواهد مادرش با ما زندگی کند». اینگلدزبای و همکاران (۲۰۰۳) میزان همبستگی خصلت‌های مختلف را با کاهش جذابیت یک فرد در موقعیت ازدواج برآورد کرده‌اند (اینگلدزبای و همکاران، ۲۰۰۳). نامطلوب‌ترین خصایص عبارتند از: بی‌علاقگی به جنس مخالف، مشکلات الکل یا مواد مخدر داشتن، بیماری مسری جنسی، و تنبلی.

۳. منفعت: منفعت آن هنگام اتفاق می‌افتد که پاداش‌ها بر هزینه‌ها غلبه کند. زوجین احتمالاً به روابط خود پایان می‌دهند و در جست‌وجوی فرد دیگری برمی‌آیند که ارتباط با او سود تضمین شده بالاتری داشته باشد، مگر اینکه آنان به دریافت منفعتی از باقی ماندن با هم اشاره کنند.

۴. زیان: زیان هنگامی روی می‌دهد که هزینه‌ها بر پاداش‌ها غلبه کند.

۵. جایگزین: فرد دیگری است که اینک در دسترس است و منفعت تضمین‌شده بالاتری ارائه می‌کند.

به‌طور خلاصه، نظریه مبادله بیان می‌کند که افراد درگیر در ارتباط رضایت‌بخش متقابل به تبادل رفتارهایی می‌پردازند که هزینه اندک و سود سرشار دارد (هاگس و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۳۲۶). زن و مرد براساس نیازهای اجتماعی و درونی درمی‌یابند که تشکیل خانواده می‌تواند برای آنها پاداش‌هایی را به همراه آورد که در جای دیگری یافت نمی‌شود. این پاداش‌ها می‌تواند درون‌ذاتی و معنوی باشد، مانند محبت و احترام و عشق و تفاهم و تعالی، یا می‌تواند برون‌ذاتی باشد، مانند مهریه و جهیزیه، خانه مستقل و استقلال مادی. بر این اساس، افراد جذب یکدیگر می‌شوند. چنانچه این پاداش‌ها به نحو شایسته‌ای برآورده گردد، خانواده تشکیل شده و دوام می‌یابد. جنس پاداش‌هایی، که زن و مرد در اختیار یکدیگر می‌گذارند، متفاوت است (بصیری، ۱۳۸۹). *باس و بارنز (۱۹۸۶)؛ ایگلی و وود (۱۹۹۹) و هاوارد و همکاران (۱۹۸۷)* معتقدند در جامعه، زنان به نقش‌هایی واگذار می‌شوند که دارای قدرت کمتر و دستیابی کمتر به منابع است. زنان برای دستیابی به قدرت و دسترسی به منابع، خصوصیتی را در همسر آینده خود جست‌وجو می‌کنند. به نوبت، زنان در مقابل کالایی که دریافت کرده‌اند، اموری از قبیل زیبایی جسمی، باروری و لذت جنسی را ارائه می‌کنند (شومیک و الیزابت، ۲۰۰۷، ص ۳۶).

اسلامی معیار همسانی را هماهنگی سطح دینی طرفین ازدواج می‌دانند. این منابع، لزوم همسانی زوجین را در برخی زمینه‌ها همچون نژاد، منزلت اقتصادی-اجتماعی، و حتی برخی از صفات اخلاقی نفی کرده‌اند. علاوه بر این، پژوهش‌های متعدد انجام‌شده در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی نیز گرایش همه‌جانبه به همسانی را در همسرگزینی به چالش می‌کشد.

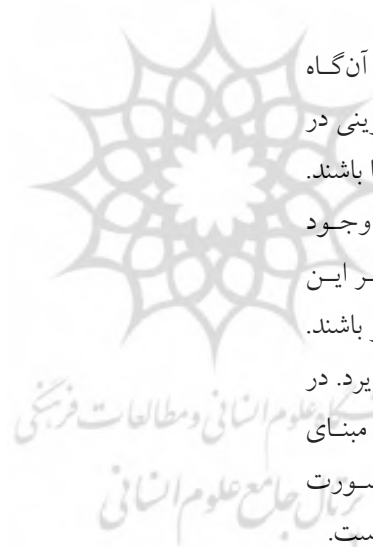
دیدگاه دوم، یعنی فرضیه همانندی عبارت از این اندیشه است که ما نوعاً زمانی بیشترین نتیجه و کمترین هزینه را تجربه می‌کنیم که در جست‌وجوی همسرانی دارای میزانی از جذابیت بدنی در حد خودمان باشیم. مهم‌ترین نقدی که بر این فرضیه وارد است، فرو کاستن اهداف ازدواج به بعد ناچیزی از ابعاد ازدواج یعنی جذابیت بدنی و تأمین نیاز جنسی است. پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه نیز نشان می‌دهد که تفاوت مردان و زنان در خصوص نقش ویژگی‌های جسمانی در ازدواج معنادار است و مردان اهتمام بیشتری به معیارهای جسمی در انتخاب همسر دارند.

نظریه نیازهای مکمل به دو خصلت شخصیتی متفاوت اشاره دارد که نظیر یکدیگرند و آن‌گاه که به هم ملحق شوند، نوعی تکامل را فراهم می‌سازند. بر این اساس، افراد در همسرگزینی در جست‌وجوی مواردی هستند که دارای خصوصیات شخصیتی متفاوت و در عین حال مکمل آنها باشند. با آنکه این نظریه شواهد و طرفدارانی دارد، اما در کنار شواهدی که برای انتخاب براساس تفاوت وجود دارد، شواهد زیاد دیگری نیز وجود دارد که انتخاب بر مبنای همسانی را تأیید می‌کند. نقد دیگر این دیدگاه این است که طبق این نظریه، همه باید از نیازهای روانی خود آگاهی یابند و خود تحلیل‌گر باشند. حال آنکه گزینش همسر با آگاهی و تخصص در خصوص ویژگی‌های شخصیتی صورت نمی‌پذیرد. در دیدگاه اسلامی نیز این نظریه مقبول نیست؛ چراکه از نظر اسلام اساساً هم‌شانی دو همسر بر مبنای همسانی دینی توجیه می‌شود، ضمن آنکه برخی ویژگی‌های همسر شایسته از دیدگاه اسلام به صورت مطلق و صرف نظر از آنکه این خصوصیت در انتخاب‌گر وجود دارد یا نه، مورد تأکید قرار گرفته است.

بالاخره نظریه مبادله تأکید می‌کند که انتخاب همسر مبتنی بر ارزیابی فردی است که بیشترین پاداش را در قبال کمترین هزینه ارائه می‌کند. در جامعه، زنان به نقش‌هایی واگذار می‌شوند که دارای قدرت کمتر و دستیابی کمتر به منابع است. زنان برای دستیابی به قدرت و دسترسی به منابع، خصوصیات را در همسر آینده خود جست‌وجو می‌کنند و در مقابل کالایی که دریافت کرده‌اند، اموری از قبیل زیبایی جسمی، باروری و لذت جنسی را ارائه می‌کنند. این رویکرد با چشم‌پوشی از کارکردهای معنوی ازدواج، تنها کارکرد آن را تبادل امکانات مادی دانسته است، درحالی‌که کارکردهای فوق، بخش ناچیزی از کارکردهای تشکیل خانواده از دیدگاه اسلام و مسیحیت را دربرمی‌گیرد. همچنین این نظریه بر این فرض استوار است

که زنان از دستیابی به قدرت و دسترسی به منابع محروم باشند و صرفاً برای رفع این محرومیت ازدواج کنند. درحالی‌که به‌ویژه در جوامع امروز، بخش عمده‌ای از زنان از قدرت و امکانات لازم برخوردارند. در عین حال، خود را بی‌نیاز از ازدواج نمی‌دانند. از سوی دیگر، این نکته نیز که مردان تنها به انگیزه دریافت اموری چون زیبایی جسمی، فرزندآوری و لذت جنسی اقدام به ازدواج کنند، قابل تردید است.

در دیدگاه اسلام، بر همسان‌همسری دینی و هماهنگی در میزان دین‌داری و نیز برخی خصوصیات اخلاقی از قبیل پاکدامنی تأکید و بر عدم اهمیت ابعاد دیگر همسانی تصریح شده است. دو پژوهش حسین‌خانی نائینی (۱۳۹۰، ص ۴۰-۷۴؛ ۱۳۸۹، ص ۲۱-۴۴) به تفصیل، معیارهای همسرگزینی از دیدگاه اسلام و میزان اهمیت هریک را مورد بررسی قرار داده است.



منابع

مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، بی‌تا، *تحریر الوسیله*، قم، اسماعیلیان.

Birkelund, & et al, 2003, Who Marries Whom? Educational Homogamy in Norway. DEMOGRAPHIC RESEARCH. VOLUME 8. ARTICLE 1. P. 1-30. Retrieved from <http://www.oekonomi.uio.no/memo/memopdf/memo2800.p>

Dibear, 2009, Factors In Human Mate Selection, Barrels of Information & How to Guides. Retrieved from [www.infobarrel.com/ Factors In Human M.](http://www.infobarrel.com/Factors%20In%20Human%20M)

Finnks, Fjalar, 1997, Social Integration, Heterogeneity, and Divorce: The Case of the Swedish – speaking Population in Finland, *Finland Acta Sociologica*, v 40, N 3, p. 263-277.

Frimmel, & et al, 2008, Assortative Mating and Divorce in Austria, Johannes Kepler Universit at Linz, www.oeaw.ac.at/vid/download/col091020rw.pdf.

Goodman, Michael. A. & David, C. Dollahite, 2006, How Religious Couples Perceive the Influence of God in Their Marriage. *Review of Religious Research*, v 48, N 2, p. 141-155.

Hughes, & et al, 2002, *Sociology: the core*. New York, McGraw Hill Higher Education.

Ingoldsby, Bron. B., & et al, 2003, *Mate Selection Across Cultures* explores. Sage Publications.

Jacobson, C. K., & et al, 2004, Inter Racial Marriages in South Africa. *Contributors, Journal of Comparative Family Studies*, v 35, P. 443.

Kalmijn, Matthijs, 1998, Intermarriage And Homogamy: Causes, Patterns, Trends, *Annual Review of Sociology*, v 24, p. 395-421.

Knox, David. & Carolin. Schacht, 2009, *Choices in Relationships: An Introduction to Marriage and the Family*. Wadsworth: Cengage Learning. Inc.

Kraft, Kornelius., & Stefanie. Neimann, 2009, *Impact of Educational and Religious Homogamy in Marital Stability*. Discussion Paper.

Shoemaker, & Elizabeth. G, 2007, Human Mate Selection Theory: An Integrated Evolutionary and Social Approach, *Journal of Scientific Psychology*, p. 35-41.

Sprecher, S. & Hatfield, E, (in press/2009), Matching hypothesis. In H. Reis & S. Sprecher (Eds.) *Encyclopedia of human relationships*, New York: SAGE.

نهج البلاغه، بی‌تا، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، مؤسسه مطبوعاتی هدف.

اعزازی، شهلا، ۱۳۷۶، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.

آذربایجانی، مسعود و دیگران، ۱۳۸۲، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

بستان، حسین، ۱۳۸۳، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

بصیری، هدی، (آبان ۱۳۸۹)، *خانواده و زناشویی به مثابه فراگرد مبادله*، <http://anthropology.ir/node/7540>

جاسبی، منیژه و همکاران، ۱۳۸۶، «*بررسی رابطه بین میزان صمیمیت در خانواده اصلی و رضایت زناشویی زنان*» در: مجموعه مقالات تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

حسین‌خانی نایینی، هادی، ۱۳۹۰، «*معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام و ساخت مقیاس آن*، پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی تربیتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

—، ۱۳۸۹، «*معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام*»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۴، ص ۲۱-۴۴.

حفاظی طریقه، میترا و همکاران، ۱۳۸۵، «*بررسی ارتباط بین اجزاء عشق و رضایت‌مندی زوجی*»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ش ۵۴، ص ۹۹-۱۰۹.

خسروی، موسی، ۱۳۸۰، *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا*، تهران، اسلامیه.

داودخانی، محسن، ۱۳۸۵، *جامعه‌شناسی همسرپایی*، برگرفته از: 17.aspx.social82.blogfa.com/cat

راوندی، سیدفضل‌الله، بی‌تا، *النوادر للراوندی*، قم، دارالکتاب.

سالاری‌فر، محمدرضا، ۱۳۸۵، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، بی‌تا، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، احمدبن علی، ۴۰۳ق، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، ترجمه نظام‌الدین احمد غفاری مازندرانی، تهران، مرتضوی.

طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۹۰، *اعلام الوری باعلام الهدی*، تهران، اسلامیه.

قرائتی، محسن، ۱۳۷۶، *تفسیر نور*، قم، مؤسسه در راه حق.

کریمی حویزی، محمد، ۴۰۲ق، *التفسیر لکتاب الله المنیر*، قم، چاپخانه علمیه.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، ۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.

مردانی، صدیقه و همکاران، ۱۳۸۱، «*بررسی و زمینه‌یابی نگرش دانشجویان و هنرآموزان دختر نسبت به همسرگزینی و آینده ازدواج*» در: خلاصه مقالات ازدواج دانشجویی راهکارها و چالش‌ها، اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان، ص